



Research Paper

Genealogy of the Resilient Human in the Qur'an: An Analysis of the Identity Formation Process Based on Perseverance

Mehdi Arefijoo^١

Received: ٢٥ December ٢٠٢٣ Accepted: ١ March ٢٠٢٤

Abstract:

Adopting a genealogical and process-oriented approach, this study analyzes the formation of a resistant identity within the epistemological framework of the Holy Qur'an. The central research issue moves beyond prevalent descriptive and enumerative approaches by explaining resistance not as an isolated virtue, but as the culminating product of a systematic human development project. The article argues that, in the Qur'an, stable identity is constructed and acquired, emerging from the systemic integration of three key concepts: patience (*sabr*) as psychological capacity and driving force; steadfastness (*istiqāmah*) as the structuring principle and backbone of an identity aligned with the path of truth; and resistance (*muqāwamah*) as its active manifestation and outward expression.

The findings indicate that this formative process is grounded in four ontological and psychological pillars:

- (١) Firm faith as the foundation providing ontological security;
- (٢) Sincerity (*ikhlas*) as a compass purifying intention in actions devoted to God;
- (٣) Reliance on God (*tawakkul*) as an advanced psychological technology for managing anxiety and focusing on duty; and
- (٤) Supplication (*du'ā'*) as a strategic act connecting to the inexhaustible source of power.

Accordingly, this research concludes that the Qur'an does not merely extol perseverance, but rather delineates a practical and psychological roadmap for constructing the resistant human by explicating this formative process and presenting detailed exemplary models (*uswa ḥasana*).

Keywords: resistant human, identity genealogy, identity formation, steadfastness, Holy Qur'an.

^١ . Ph.D. Graduate in Theology, Allameh Askari International University, Qom, Iran: iran.farda1@gmail.com



مقاله پژوهشی

تبارشناسی انسان مقاوم در قرآن: تحلیلی بر فرآیند تکوین هویت مبتنی بر پایداری

مهدی عارفی جو^۱

دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۵؛ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۱

چکیده

این پژوهش با اتخاذ رویکردی تبارشناسانه و فرآیند-محور، به تحلیل چگونگی تکوین هویت مقاوم در منظومه معرفتی قرآن کریم می‌پردازد. مسئله محوری تحقیق، فراتر رفتن از رویکردهای توصیفی-فهرستی رایج و تبیین مقاومت نه به مثابه یک فضیلت منفرد، بلکه به منزله محصول نهایی یک پروژه انسان‌سازی نظام‌مند است. این مقاله استدلال می‌کند که هویت پایدار در قرآن، یک هویت ساختنی و اکتسابی است که از یکپارچگی سیستمی سه مفهوم کلیدی حاصل می‌شود: صبر به مثابه ظرفیت و نیروی محرکه روانی، استقامت به مثابه شاکله و ستون فقرات هویتی بر صراط حق، و مقاومت به عنوان کنش فعال و تجلی بیرونی آن. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که این فرآیند تکوین بر چهار رکن هستی‌شناختی و روان‌شناختی استوار است: (۱) ایمان راسخ به عنوان شالوده تأمین‌کننده امنیت هستی‌شناختی؛ (۲) اخلاص به مثابه قطب‌نمای پالایشگر نیت در قیام‌لله؛ (۳) توکل به منزله فناوری روانی پیشرفته برای مدیریت اضطراب و تمرکز بر تکلیف؛ و (۴) دعا به عنوان یک کنش استراتژیک برای اتصال به منبع قدرت لایزال. بر این اساس، پژوهش حاضر نتیجه می‌گیرد که قرآن کریم صرفاً به ستایش پایداری نمی‌پردازد، بلکه نقشه راه عملیاتی و روان‌شناختی ساختن انسان مقاوم را از طریق تبیین این فرآیند تکوینی و ارائه اسوه‌های حسنه به تفصیل ترسیم نموده است.

واژگان کلیدی: انسان مقاوم، تبارشناسی هویت، تکوین هویت، استقامت، قرآن کریم.



در منظومه قرآنی، وجود انسان عرصه یک کارزار دائمی میان جاذبه‌های تعالی و نیروهای انحطاط است. قرآن کریم به مثابه یک کتاب انسان‌ساز، طرحی جامع برای تکوین هویتی ارائه می‌دهد که قادر است در کوران حوادث، قائم بماند. این هویت، انسان مقاوم است. اوج این پروژه انسان‌سازی در فرمان خطیر «فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ» (هود: ۱۱۲) متجلی است؛ فرمانی که به نقل مشهور، پیامبر اکرم (ص) را پیر نمود و نشان داد استقامت یک فرآیند وجودی عمیق و پیچیده است. از این رو، مسئله بنیادین این پژوهش، عدول از پرسش چیستی مقاومت و تمرکز بر پرسش چگونگی آن است. این تحقیق در پی پاسخ به این سوال است که فرآیند روان‌شناختی-ایمانی که یک فرد را به انسان مقاوم بدل می‌کند، چیست و چه مراحل و ارکانی بر تکوین این هویت مترتب است؟ به عبارت دیگر، ما به دنبال تبارشناسی یک فرآیند هستیم، نه توصیف یک صفت.

اهمیت این تحقیق از آنجاست که در مواجهه با بحران‌های مدرن، نیاز به الگویی کارآمد برای توانمندسازی روانی و هویتی بیش از پیش احساس می‌شود. غالب پژوهش‌ها در این حوزه به شمارش فضائل یا تطبیق مفاهیم اکتفا کرده‌اند. نوآوری اساسی این مقاله در سه جنبه است: نخست، رویکرد تبارشناسانه که به جای توصیف وضع موجود، ریشه‌ها و فرآیند ساخته شدن هویت را می‌کاود. دوم، ارائه یک مدل سیستمی و یکپارچه که رابطه طولی و عرضی میان مفاهیم صبر، استقامت و مقاومت را تبیین کرده و آن‌ها را اجزای یک فرآیند واحد می‌داند. سوم، تحلیل روان‌شناختی عمیق که با به کارگیری مفاهیمی چون امنیت هستی‌شناختی و فناوری روانی، سازوکارهای درونی این تحول هویتی را کالبدشکافی می‌کند. این رویکرد، مسیری نو برای فهم کاربردی و عمیق آموزه‌های قرآنی در حوزه انسان‌سازی می‌گشاید. روش تحقیق حاضر، توصیفی-تحلیلی با رویکرد تبارشناسانه بر مبنای مطالعه کتابخانه‌ای است. داده‌های اصلی از طریق مطالعه دقیق و نظام‌مند آیات قرآن کریم استخراج شده و با مراجعه به تفاسیر کلیدی (مانند المیزان و مجمع البیان)، کتب لغت معتبر (مانند مفردات راغب و مقاییس اللغة) و تحلیل‌های اندیشمندان معاصر، شبکه مفهومی و فرآیند تکوین هویت مقاوم، تحلیل و تبیین گردیده است.

این نوشتار در دو بخش اصلی سازمان یافته است. بخش نخست به واکاوی دقیق ترمینولوژیک مفاهیم محوری استقامت، مقاومت و صبر و ترسیم نسبت آن‌ها با یکدیگر می‌پردازد. بخش دوم که شاکله اصلی تحقیق است، به تبیین تبارشناسانه و تحلیلی ارکان چهارگانه تکوین هویت مقاوم (ایمان، اخلاص، توکل و دعا) اختصاص یافته است. در نهایت، با ارائه نتیجه‌گیری، اهم یافته‌ها جمع‌بندی شده و پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی و اقدامات اجرایی ارائه می‌گردد.

مفهوم پایداری و ثبات قدم، با محوریت واژگانی چون صبر و استقامت، ستون فقرات بسیاری از مباحث در سنت تفسیری و اخلاق اسلامی را تشکیل می‌دهد. از آثار متقدم تفسیری همچون مجمع البیان طبرسی که ذیل آیه ۱۱۲ سوره هود به ثقل وجودی فرمان استقامت پرداخته، تا آثار جامع تفسیری معاصر نظیر المیزان علامه طباطبایی که استقامت را به معنای استقرار در صراط عبودیت تحلیل می‌کند، همواره این مفاهیم مورد توجه بوده‌اند. در حوزه اخلاق نیز، کتبی نظیر جامع السعادات راقی، صبر را به عنوان یکی از ارکان چهارگانه فضائل و مقامی کلیدی در سلوک الی الله معرفی کرده‌اند. این دسته از آثار، با وجود غنای محتوایی، عمدتاً به توصیف فضیلت و تبیین جایگاه مفهومی آن پرداخته‌اند.

در دهه‌های اخیر، با ظهور مفهوم روان‌شناختی تاب‌آوری (Resilience)، موج جدیدی از پژوهش‌ها در پی ایجاد پیوند میان این مفهوم مدرن و آموزه‌های اسلامی برآمده‌اند. مقالاتی نظیر عوامل و مؤلفه‌های تاب‌آوری از منظر قرآن و روایات (حبیب‌اللهی، ۱۴۰۰) یا تاب‌آوری در قرآن کریم (عباسی و شریفی، ۱۳۹۶) نمونه‌های برجسته‌ای از این رویکرد هستند. این پژوهش‌ها می‌کوشند تا مؤلفه‌های شناسایی‌شده در روان‌شناسی (مانند هدفمندی، خوش‌بینی، مهارت حل مسئله) را با مفاهیم متناظر قرآنی و روایی (مانند امید به رحمت الهی، حسن ظن به خدا، حکمت) تطبیق دهند. رویکرد غالب در این آثار، تطبیقی و مؤلفه‌محور است؛ یعنی با اتخاذ یک الگوی روان‌شناختی بیرونی، به دنبال یافتن معادل‌های دینی برای آن هستند.

وجه تمایز و نوآوری اثر حاضر دقیقاً در نقطه عبور از همین رویکردهای توصیفی و تطبیقی نهفته است. این مقاله ادعا نمی‌کند که صرفاً معادل‌های قرآنی تاب‌آوری را یافته است، بلکه مدعی است قرآن خود یک الگوی اصیل، درون‌زا و فرآیند-محور برای ساختن هویت مقاوم ارائه می‌دهد. تمایز این پژوهش با آثار پیشین را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱. گذار از رویکرد مؤلفه‌محور به فرآیند-محور: برخلاف پژوهش‌های پیشین که به ارائه فهرستی از عوامل تاب‌آوری در قرآن بسنده می‌کنند، این مقاله یک فرآیند تکوینی را تحلیل می‌کند که در آن، فرد از طریق مراحل و ارکان مشخصی، هویت خود را می‌سازد.

۲. ارائه یک مدل سیستمی و یکپارچه: این تحقیق، مفاهیم صبر، استقامت و مقاومت را نه به صورت جزایری منفک یا مترادف، بلکه به عنوان سه لایه درهم‌تنیده از یک سیستم هویتی معرفی می‌کند که دارای منطق درونی و ترتیب ساختاری هستند.

۳. اتخاذ رویکرد تبارشناسانه به جای تطبیقی: این پژوهش به جای آنکه از روان‌شناسی آغاز کند و به قرآن برسد، از خود متن قرآن آغاز کرده و با کاوش در ریشه‌ها و منطق درونی آیات، به کشف



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



چگونگی ساخت این هویت می‌پردازد. به همین دلیل، مفاهیم تحلیل‌شده مانند امنیت هستی‌شناختی یا فناوری روانی توکل، مفاهیمی برآمده از دل تحلیل خود متن هستند، نه مفاهیمی وام‌گرفته و تطبیق‌داده‌شده.

بنابراین، این مقاله با ارائه یک چارچوب تحلیلی نوین، شکاف میان مطالعات سنتی توصیفی و پژوهش‌های معاصر تطبیقی را پر کرده و گامی به سوی نظریه‌پردازی مبتنی بر قرآن در حوزه تکوین هویت برمی‌دارد.

۱. درآمدی بر چیستی انسان مقاوم در منظومه قرآنی

هستی انسان در سپهر اندیشه قرآنی، صحنه تقابلی دائمی میان جاذبه‌های تعالی‌بخش و نیروهای انحطاط‌آور است. در این میان، قرآن کریم صرفاً به توصیف این کارزار وجودی اکتفا نمی‌کند، بلکه به مثابه یک کتاب انسان‌ساز، طرحی جامع برای تکوین یک هویت متعالی ارائه می‌دهد؛ هویتی که قادر است در کوران حوادث و در برابر فشارهای خردکننده درونی و بیرونی، قائم بماند و مسیر استکمالی خویش را بپیماید. این هویت، همان انسان مقاوم است. پرسش بنیادین این پژوهش نه صرفاً چیستی مقاومت به عنوان یک فضیلت، بلکه چگونگی تکوین و تبارشناسی این هویت در پرتو آموزه‌های وحیانی است.

اوج این پروژه انسان‌سازی را می‌توان در یکی از خطرترین فرامین الهی به پیامبر خاتم(ص) مشاهده کرد: ﴿فَاسْتَقِمُّ كَمَا أُمِرْتُ﴾ (هود: ۱۱۲)؛ پس همان‌گونه که فرمان یافته‌ای، استقامت کن.

این فرمان، صرفاً یک دستورالعمل اخلاقی نیست، بلکه عصاره و چکیده الگوی زیست مؤمنانه و نقطه غایی تکوین هویت قرآنی است. سنگینی این مسئولیت وجودی به حدی بود که به نقل مشهور از عبدالله بن عباس، صحابی و مفسر بزرگ قرآن، هیچ آیه‌ای شدید و مشکل‌تر از این آیه بر پیامبر خدا(ص) نازل نشد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۰۴/۵). تأثیر شگرف این آیه بر وجود نازنین رسول اکرم(ص) تا بدانجا بود که خود فرمودند: مرا سوره هود و واقعه پیر کرد (طبرسی، ۱۳۷۲: ۴۰۴/۵) و نقل است که پس از نزول این آیه، دیگر هرگز خندان دیده نشدند و یاران را به کوشش و مجاهدت فراخواندند (سیوطی، ۱۴۱۴: ۴۸۰/۴). این تحول ژرف، نشان می‌دهد که استقامت مأمور به (استقامت مبتنی بر فرمان الهی)، یک فرآیند پیچیده و عمیق هویتی است که تمام ساحت‌های وجودی انسان را در بر می‌گیرد و او را از یک موجود منفعل به یک کنشگر فعال و مقاوم بدل می‌سازد.

۲. واکاوی ترمینولوژیک ابعاد پایداری در ساحت وجودی انسان

برای فهم دقیق فرآیند تکوین هویت مقاوم، نخست باید شبکه مفهومی‌ای که قرآن برای توصیف ابعاد مختلف پایداری به کار می‌گیرد، کالبدشکافی شود. واژگانی چون استقامت، مقاومت و صبر صرفاً مترادف‌هایی برای ایستادگی نیستند، بلکه هر یک به وجهی خاص از این هویت چندبعدی اشاره دارند.

۲-۱. استقامت: ستون فقرات هویت و اعتدال وجودی

استقامت از ریشه ق-و-م که بر به پا خاستن و قیام دلالت دارد (مصطفوی، ۱۳۶۰: ۳۲۱/۹)، در باب استفعال، معنای طلب قیام و خواستن برپایی را در خود نهفته دارد. این واژه در کانون منظومه پایداری قرار دارد و به یک حالت باثبات، معتدل و پایدار در مسیر حق اشاره می‌کند (زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۹۲/۱۷؛ جوهری، ۱۳۷۶: ۲۰۱۷/۵). استقامت صرفاً پایداری در برابر دشمن بیرونی نیست، بلکه پیش از آن، به معنای اعتدال (طریحی، ۱۴۰۸: ۵۶۶/۳) و ثبات و مداومت (ابن اثیر، ۱۳۶۸: ۱۲۵/۴) بر صراط مستقیم توحید و عبودیت است. به تعبیر ابن عاشور، استقامت، پایداری بر دین و مسیر حق در برابر هرگونه کژی و انحراف است (ابن عاشور، ۱۹۹۷: ۲۹۲/۱۱). بنابراین، استقامت را می‌توان شاکله اصلی یا ستون فقرات هویت مقاوم دانست؛ یک تعادل درونی و پایبندی بنیادین به اصول که زمینه را برای تجلیات بیرونی آن فراهم می‌سازد.

۲-۲. مقاومت: تجلی بیرونی و کنش فعال

گرچه واژه مقاومت به صراحت در قرآن به کار نرفته، اما مفهوم آن که از باب مفاعله و بر کنش متقابل دلالت دارد، به بهترین شکل، وجه فعال و بیرونی استقامت را توصیف می‌کند. اگر استقامت، حفظ تعادل درونی است، مقاومت به معنای ایستادگی و ضدیت فعال در برابر هر عاملی است که این توازن را بر هم می‌زند (لویس معلوف، ۱۳۷۳: ۶۶۳)؛ خواه این عامل، وسوسه‌های نفسانی (دشمن درونی) باشد یا تجاوز و ستمگری (دشمن بیرونی). از این منظر، مقاومت یک رویارویی صرفاً نظامی نیست، بلکه ابعاد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و معرفتی را نیز در بر می‌گیرد (میرقادری و همکاران، ۱۳۹۱: ۷۰). مقاومت، تجلی عاملیت انسان باهویتی است که اجازه نمی‌دهد شرایط بیرونی، مسیر و ماهیت او را تعیین کند، بلکه خود فعالانه در برابر تهدیدها و خطرات می‌ایستد (مطلق شقور، ۲۰۰۹: ۲۰-۲۱).

۲-۳. شکیبایی: نیروی پیشران و ظرفیت تحمل

صبر که در تقابل با جزع و بی‌تابی تعریف می‌شود (فراهیدی، ۱۴۱۴: ۱۱۵/۷)، نیروی محرکه و سوخت اصلی این فرآیند هویتی است. صبر در منطق قرآن، به معنای انفعال و تحمل از سر ناچاری نیست، بلکه خویشتن‌داری فعال در سختی‌ها (ابن منظور، ۱۴۱۶: ۴۲۰/۴) و حبس نفس بر اموری است که عقل و شرع اقتضا می‌کند (راغب اصفهانی، ۱۳۷۵: ۳۷۲/۲). آیات متعددی مانند امر به صبر در کنار نماز: ﴿وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ﴾ (البقره: ۴۵) نشان می‌دهد که صبر، یک ابزار استراتژیک برای



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



توانمندسازی روانی و معنوی انسان در مسیر تکوین هویت است. در واقع، انسان مقاوم کسی است که از طریق صبر جمیل (یوسف: ۱۸)، ظرفیت روانی و استقامت خود را در برابر شدائد افزایش می‌دهد تا بتواند در میدان عمل، مقاومت کند و بر استقامت خویش پایدار بماند. این پایداری، شرط اساسی برای دستیابی به معنا در زندگی و غلبه بر پوچی ناشی از رنج‌هاست (فرانکل، ۱۳۹۸: ۱۲۱).

بنابراین، این سه واژه، مراحل یا ابعاد یک فرآیند یکپارچه را تشکیل می‌دهند: صبر، ظرفیت روانی و نیروی درونی؛ استقامت، حالت پایدار و متعادل هویتی بر مدار حق؛ و مقاومت، کنش فعال و تجلی بیرونی آن هویت در برابر موانع است.

۳. مبانی هستی‌شناختی و روان‌شناختی در تکوین انسان مقاوم

پس از واکاوی شبکه مفهومی پایداری در قرآن، اکنون به پرسش اصلی می‌رسیم: انسان مقاوم چگونه تکوین می‌یابد؟ قرآن کریم در پاسخ به این پرسش، صرفاً به ارائه فهرستی از فضائل اخلاقی بسنده نمی‌کند، بلکه یک فرآیند دقیق و چندبعدی را برای ساختن این هویت متعالی ترسیم می‌نماید. این فرآیند بر پایه‌ها و ارکانی استوار است که هم جهان‌بینی فرد (بعد هستی‌شناختی) و هم انگیزه‌ها و قوای درونی او (بعد روان‌شناختی) را دگرگون می‌سازد.

نکته حائز اهمیت آن است که قرآن این مبانی را در خلاء نظری رها نمی‌کند، بلکه آن‌ها را در قالب یک الگوی عینی و قابل تبعیت ارائه می‌دهد. الگو در اینجا به معنای عام خود یعنی معیار و نمونه (انوری، ۱۳۸۱: ۵۲۲/۱) نیست، بلکه به مفهوم خاص قرآنی آن، یعنی اسوه به کار می‌رود. اسوه آن نمونه‌ای است که انسان در مسیر کمال، از او پیروی می‌کند: (لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ) (الاحزاب: ۲۱). تفاوت کلیدی در این است که اسوه بر یک رابطه وجودی و تبعیت محض میان پیرو و مقتدا دلالت دارد (عباسی، ۱۳۹۳: ۴۹) و صرفاً یک مدل انتزاعی نیست. بنابراین، مبانی‌ای که در ادامه می‌آید، ویژگی‌های نظری یک انسان مقاوم ایده‌آل نیست، بلکه مؤلفه‌هایی است که در وجود اسوه‌های حسنه همچون پیامبران الهی، تجلی یافته و راه را برای تأسی دیگران هموار ساخته است.

۳-۱. ایمان راسخ: شالوده‌ی هستی‌شناختی پایداری

نخستین و بنیادین‌ترین رکن در تکوین هویت مقاوم، ایمان راسخ به خداوند است. ایمان در منظومه قرآنی، صرفاً یک باور ذهنی یا اقرار زبانی نیست، بلکه یک تحول وجودی و سنگ بنای هویتی است که کل نظام ادراکی و ارزشی انسان را بازتعریف می‌کند. انسان مقاوم، پیش از هر چیز، موجودی مؤمن است؛ ایمانی که او را از تکیه بر اسباب ناپایدار مادی رهانیده و به منبع لایزال قدرت و معنا متصل می‌سازد. این اتصال، یک امنیت هستی‌شناختی ایجاد می‌کند که در کوران حوادث، از فروپاشی روانی و هویتی فرد جلوگیری می‌کند.

قرآن کریم این پیوند عمیق میان ایمان، استقامت و آرامش روانی را به زیباترین شکل به تصویر می‌کشد:

﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا... نَحْنُ أَوْلِيَائُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ﴾ (فصلت: ۳۰-۳۱). در این آیه، استقامت که تجلی عملی مقاومت است، پیامد طبیعی و بلافصل اقرار به ربوبیت الله (قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ) است. پاداش این پایداری نیز بلافاصله یک امنیت روانی مطلق است: نفی کامل خوف (ترس از آینده) و حزن (اندوه گذشته).

فرشتگان به مثابه حاملان این پیام، ولایت و سرپرستی الهی را در دو جهان به آنان بشارت می‌دهند. این همان حقیقتی است که در سوره احقاف نیز تکرار می‌شود: ﴿إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبَّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَامُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ﴾ (الاحقاف: ۱۳). این آیات نشان می‌دهند که اولین کارکرد ایمان، بازسازی روان‌شناختی انسان و ایمن‌سازی او در برابر عوامل اضطراب‌زای بیرونی است.

این تحول صرفاً درونی نیست، بلکه برکات آن در عالم بیرون نیز جاری می‌شود: ﴿وَأَنْ لَّوِ اسْتَقَامُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقِينَهُمْ مَاءً غَدَقًا﴾ (جن: ۱۶). استقامت بر طریقت ایمان، زمینه‌ساز نزول برکات مادی و معنوی است و نشان می‌دهد که از منظر قرآن، پایداری مؤمنانه، امری سازنده و حیات‌بخش است. اوج این تحلیل را می‌توان در آیات مربوط به آزمون‌های سخت مشاهده کرد. پس از شکست ظاهری در أحد، آنگاه که سپاه اسلام دچار جراحت و ضعف شده بود، قرآن خطاب به آنان می‌فرماید: ﴿وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ﴾ (آل عمران: ۱۳۹).

در اینجا، برتری (الْأَعْلَوْنَ) نه به قدرت نظامی که به یک شرط هویتی گره خورده است: «إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ». ایمان، معیار حقیقی برتری و شکست‌ناپذیری است. این ایمان در بزنگاه بعدی، خود را به نمایش می‌گذارد؛ آنگاه که مجروحان أحد برای تعقیب دشمن فراخوانده می‌شوند و شایعه‌پراکنان آنان را از قدرت دشمن می‌ترسانند، واکنش آنان نه ترس، بلکه تشدید ایمان است: ﴿الَّذِينَ قَالُوا لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳). این آیه، چکیده روان‌شناسی انسان مقاوم است: تهدید بیرونی به جای آنکه عامل تزلزل شود، به کاتالیزوری برای تعمیق ایمان و توکل بدل می‌گردد. عبارت حسبنا الله اعلام استقلال کامل از تمامی قدرت‌های غیرالهی و اوج تکوین هویت مقاوم است.

۲-۳. پالایش نیت و جهت‌گیری قیام

اگر ایمان، شالوده هستی‌شناختی هویت مقاوم است، اخلاص، جوهر روان‌شناختی و قطب‌نمای جهت‌دهنده به آن است. اخلاص به معنای پیراستن عمل از هر انگیزه‌ای جز خداوند (طریحی، ۱۴۱۶: ۱۶۶/۴)، تضمین‌کننده سلامت و اصالت مقاومت است. مقاومتی که برای خدا نباشد، حتی اگر ظاهری قهرمانانه داشته باشد، در نهایت به خودپرستی، ریا و کسب شهرت دنیوی آلوده شده و از مسیر الهی



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



منحرف می‌گردد. قرآن با یک فرمان موجز و عمیق، این اصل را به عنوان تنها موعظه لازم به پیامبر(ص) ابلاغ می‌کند: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعْطُكُمْ بِوَاحِدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَثْنَىٰ وَفِرَادَىٰ﴾ (السبا: ۴۶).

محور اصلی این قیام فردی و جمعی، قید لله است. این قید، جهت و نیت حرکت را تعیین می‌کند و آن را از هرگونه شائبه قدرت‌طلبی، انتقام‌جویی یا منافع شخصی پاک می‌سازد. در نقطه مقابل، قرآن الگوی مقاومت غیرالهی را به شدت تقبیح می‌کند: ﴿وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ﴾ (الأنفال: ۴۷).

بطر (سرمستی و غرور) و رياء الناس (خودنمایی برای مردم) دو آفتی هستند که قیام را از درون تهی و بی‌ارزش می‌سازند. امام خمینی(ره) با درکی عمیق از این اصل روان‌شناختی-هویتی، قیام لله را عصاره اصلاح دو جهان و رمز غلبه پیامبر(ص) بر تمامیت جاهلیت می‌دانند. ایشان در تفسیر این آیه، به زیبایی پیامدهای فقدان اخلاص را برمی‌شمرند:

«خودخواهی و ترک قیام برای خدا ما را به این روزگار سیاه رسانده و همه جهانیان را بر ما چیره کرده و کشورهای اسلامی را زیر نفوذ دیگران درآورده. قیام برای منافع شخصی است که روح وحدت و برادری را در ملت اسلامی خفه کرده» (موسوی خمینی، ۱۳۸۹: ۲۱/۱).

سپس با فراخوانی عمومی، راه‌هایی را بازگشت به همین اصل معرفی می‌کنند:

«هان ای روحانیین اسلامی! ... موعظت خدای جهان را بخوانید و یگانه راه اصلاحی را که پیشنهاد فرموده بپذیرید و ترک نفعهای شخصی کرده تا به همه سعادت‌های دو جهان نایل شوید» (همان: ۲۲).

بنابراین، انسان مقاوم در مکتب قرآن، کنشگری است که نه تنها در باور (ایمان) بلکه در انگیزه (اخلاص) نیز کاملاً جهت‌گیری الهی دارد. این پالایش نیت، مقاومت او را به یک عبادت تبدیل می‌کند و آن را از آلودگی به اهداف حقیر دنیوی مصون می‌دارد.

۳-۳. معماری کنش مؤمنانه و مهندسی آرامش روانی

پس از آنکه هویت مقاوم بر شالوده ایمان استوار و با قطب‌نمای اخلاص جهت‌دهی شد، نوبت به تعریف الگوی کنش آن می‌رسد. توکل در این منظومه، نه یک فضیلت اخلاقی منفعل، بلکه یک فناوری روانی و یک راهبرد رفتاری پیچیده است. توکل، هنر واگذاری نتیجه به خدا، پس از به‌کارگیری تمام اسباب و توانایی‌هاست؛ این فرآیند، انسان مقاوم را از اضطراب فلج‌کننده نتیجه‌گرایی رها کرده و تمام انرژی روانی او را بر انجام تکلیف و اتقان عمل متمرکز می‌سازد. به عبارت دیگر، توکل، مهندسی آرامش درونی در عین طوفان بیرونی است.

قرآن کریم، توکل را نه به عنوان یک باور انتزاعی، بلکه به مثابه یک مانیفست هویتی در بحرانی‌ترین لحظات معرفی می‌کند. در صحنه پس از نبرد احد، آنگاه که مؤمنان زخم‌خورده با خبر بسیج مجدد

دشمن مواجه می‌شوند، یک دگردیسی روان‌شناختی شگرف رخ می‌دهد. عامل تهدید بیرونی ﴿إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ فَاخْشَوْهُمْ﴾ به جای ایجاد فروپاشی، به کاتالیزوری برای انفجار ایمان درونی بدل می‌شود ﴿فَزَادَهُمْ إِيمَانًا﴾. این ایمان تقویت‌شده، بلافاصله در یک شعار راهبردی و هویتی تبلور می‌یابد: ﴿وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ﴾ (آل عمران: ۱۷۳). این عبارت، صرفاً یک ذکر نیست؛ بلکه اعلام استقلال کامل از زنجیره اسباب و علل مادی و اتصال مستقیم به مسبب‌الاسباب است. این همان هویت مستغنی بالله (هویت بی‌نیاز به غیر خدا) است که در میدان عمل، خود را با آرامش و اقدام، به رخ دشمن می‌کشد.

این مهندسی روانی، یک نسخه درمانی قرآنی برای غلبه بر ترس و سستی (فَشَلَّ) است. در آستانه همان نبرد احد، قرآن به تزلزل درونی دو طایفه از مسلمانان اشاره می‌کند ﴿إِذْ هَمَّتْ طَائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا﴾ و بلافاصله پادزهر آن را معرفی می‌کند: ولایت الهی و توکل: ﴿وَاللَّهُ وَلِيُّهُمَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ﴾ (آل عمران: ۱۶۲).

فرمان فَلْيَتَوَكَّلِ (پس باید توکل کنند)، یک دستورالعمل روان‌شناختی برای مدیریت بحران است. خداوند برای تقویت این نسخه، یک خاطره‌درمانی نیز انجام می‌دهد و پیروزی غیرمحتمل بدر را یادآوری می‌کند ﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ﴾ تا نشان دهد توکل، یک راهبرد آزموده و تضمین‌شده برای تبدیل ضعف به قوت است.

اوج این هویت متوکلانه در اسوه مقاومت، حضرت ابراهیم(ع)، متجلی است. ابراهیم خلیل(ع)، پس از اعلام براءت انقلابی خود از نظام شرک، این موضع‌گیری را با تکیه بر توکل، مَهر می‌کند: ﴿رَبَّنَا عَلَيكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنْبَأْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ﴾ (الممتحنة: ۴). اما شاهکار توکل او در آزمون آتش به نمایش درمی‌آید. روایت گفتگوی او با جبرئیل، یک کلاس درس کامل در باب هستی‌شناسی توکل است. پاسخ اَمَّا إِلَيْكَ فَلَا (اما به تو [که واسطه‌ای] نه)، اعلام استغناء از هر قدرتی غیر از مبدأ اصلی است. و پاسخ شگفت‌انگیز حَسْبِي مِنْ سُؤَالِي عِلْمُهُ بِحَالِي (آگاهی او به حال من، مرا از درخواست کردن بی‌نیاز می‌کند) (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۳۰۸/۱۴)، نشان‌دهنده فنای کامل اراده بنده در علم خداوند است. این همان نقطه‌ای است که انسان مقاوم به آرامش مطلق دست می‌یابد؛ آرامشی که آتش را برای او سرد و سلامت می‌سازد و او را در برابر هر تهدیدی، آسیب‌ناپذیر می‌کند.

۳-۴. نیایش: دیالکتیک قدرت و عبودیت در میدان مقاومت

اگر توکل، نرم‌افزار کنشگری مؤمن است، دعا، شاهراه ارتباطی و منبع تغذیه دائمی این نرم‌افزار است. دعا در منطق انسان مقاوم، یک فرآیند دیالکتیکی است: از یک سو، نهایت اظهار عبودیت، فقر و نیاز به درگاه الهی است و از سوی دیگر، ابزار اتصال به قدرت مطلق و لایزال اوست. بنابراین، دعا نه



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



عملی از سر ناچاری و انفعال، بلکه یک کنش استراتژیک و بخشی حیاتی از فرآیند مقاومت است. این عمل، تجهیز معنوی رزمنده در کنار تجهیز مادی اوست.

قرآن، دعا را به عنوان اتاق جنگ معنوی مجاهدان به تصویر می‌کشد. دعای سپاه طالوت در لحظه رویارویی با جالوت، یک طرح عملیات کامل است که برای تصویب به فرماندهی کل هستی ارائه می‌شود: ﴿رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا وَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ (البقره: ۲۵۰).

این دعا، یک ساختار منطقی و اولویت‌بندی شده دارد:

(۱) تأمین زیرساخت روانی: ﴿أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا﴾ درخواست ریختن صبر بر وجودشان، یعنی طلب یک تحول بنیادین در ظرفیت روانی.

(۲) تثبیت در میدان عمل: ﴿وَوَثِّبْ أَقْدَامَنَا﴾ درخواست پایداری فیزیکی و عملیاتی.

(۳) درخواست نتیجه نهایی: ﴿وَانصُرْنَا﴾ طلب پیروزی به عنوان پیامد دو مرحله قبل.

این دعا نشان می‌دهد انسان مقاوم برای پیروزی عجله نمی‌کند؛ بلکه مقدمات آن را از خدا می‌طلبد. این بلوغ استراتژیک، با استجاب الهی پاداش داده می‌شود.

همین الگو در ربیون (پیروان الهی پیامبران) نیز دیده می‌شود. آنان در میانه نبرد، دعا را با یک عمل خودپالایی آغاز می‌کنند: ﴿رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَإِسْرَافَنَا فِي أَمْرِنَا...﴾ (آل عمران: ۱۴۷). این امر نشان می‌دهد که انسان مقاوم، همواره در حال یک نبرد دو جبهه‌ای است: نبردی با دشمن بیرونی و نبردی با نفس و لغزش‌های درونی. او می‌داند که شرط پیروزی در جبهه بیرون، پاکی و خلوص در جبهه درون است.

شگفت‌انگیزتر آنکه، دعا می‌تواند به یک سلاح تهاجمی برای درهم شکستن زیرساخت‌های نظام کفر بدل شود. دعای حضرت موسی (ع) یک نمونه اعلاست: ﴿رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَى أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَى قُلُوبِهِمْ...﴾ (یونس: ۸۸). این دعا، یک حمله مستقیم به بنیان اقتصادی (أَمْوَالِهِمْ) و قدرت نرم (قساوت قلب) فرعون است. موسی (ع) از خداوند می‌خواهد که ابزارهای سلطه و گمراهی را از دشمن بگیرد.

اما نکته کلیدی در پاسخ خداوند نهفته است: ﴿قَالَ قَدْ أُجِيبَتْ دَعْوَتُكُمَا فَاسْتَقِيمَا...﴾ (یونس: ۸۹). دعای شما دو نفر مستجاب شد، پس استقامت کنید. این آیه به صراحت، دیالکتیک دعا و عمل را نشان می‌دهد. استجاب دعا، پایان کار نیست، بلکه آغاز فصلی جدید از مسئولیت و پایداری است. خداوند با اجابت دعا، نیروی معنوی لازم را فراهم کرده و اکنون از آنان می‌خواهد که با تکیه بر این پشتوانه، در میدان عمل، استقامت ورزند. این یعنی دعا، سوختِ موتورِ مقاومت است، نه جایگزین آن.

۳-۵. رهبری، ضامن انسجام و شرط استمرار نصرت الهی

در معماری یک جبهه مقاوم، پس از آنکه فرد و جامعه با ایمان، اخلاص، توکل و دعا به لحاظ معنوی تجهیز شدند، یک عنصر ساختاری برای تبدیل این نیروهای بالقوه به یک قدرت بالفعل و مؤثر، حیاتی

است: **فرماندهی**. در منطق قرآن، رهبری صرفاً یک جایگاه سیاسی یا مدیریتی نیست، بلکه ستون فقرات و محور ثقل جامعه مقاوم است. اطاعت از رهبری، نه یک انقیاد کورکورانه، بلکه یک ضرورت استراتژیک برای انسجام بخشی به نیروها و تمرکز بخشیدن به اراده هاست.

قرآن کریم این اصل را به عنوان یک قانون جامعه شناختی-نظامی معرفی می کند. در دستورالعمل جامع مواجهه با دشمن، پس از فرمان به ثبات قدم و یاد خدا، بلافاصله اصل فرماندهی مطرح می شود: ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ...﴾ (الأنفال: ۴۶).

این آیه یک معادله دقیق را ترسیم می کند:

✓ فرمان اطاعت از خدا (منبع ایدئولوژی) و رسول او (فرمانده میدان) یک بسته واحد و تجزیه ناپذیر است.

✓ ﴿وَلَا تَنَازَعُوا﴾: نزاع و کشمکش داخلی، که اغلب از نافرمانی سرچشمه می گیرد، ممنوع است.

✓ نتیجه مستقیم نزاع و نافرمانی، دو فاجعه است: فُشَلْ یعنی سستی، فلج شدن و از کار افتادن؛ و ذهاب ریح یعنی از دست رفتن قدرت، شوکت، ابهت و اعتبار. ریح (باد)، استعاره ای از جریان قدرت و حرکت روبه جلوی یک ملت است که با اختلاف و نافرمانی متوقف می شود.

۳-۵. ۱. کالبدشکافی قرآن از یک شکست

قرآن برای اثبات این قانون، به جای استدلال صرف، یک آزمایشگاه واقعی را کالبدشکافی می کند: **غزوه احد**. در این نبرد، پیروزی اولیه مؤمنان، پس از مشاهده غنایم جنگی ﴿مِنْ بَعْدِ مَا أُرَاكُمْ مَا تُحِبُّونَ﴾، با یک لغزش استراتژیک به شکستی تلخ بدل شد. قرآن با دقتی بی نظیر علت را ریشه یابی می کند: ﴿وَوَعَصَيْتُمْ...﴾ (آل عمران: ۱۵۲)؛ شما نافرمانی کردید. این نافرمانی گروهی از تیراندازان از دستور صریح فرمانده (پیامبر(ص)) مبنی بر ترک نکردن تنگه، تمام معادلات را برهم زد.

خداوند پیامد این نافرمانی را اینگونه توصیف می کند: ﴿ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ﴾: یعنی سپس [خداوند] شما را از [غلبه بر] آنان بازداشت تا شما را بیازماید.

این عبارت نشان می دهد که نصرت الهی یک امر مستمر و تضمین شده نیست، بلکه مشروط به اطاعت است. با نافرمانی، خداوند حمایت خود را موقتاً برمی دارد تا جامعه مؤمنان، بهای گزاف شکستن اصل فرماندهی را در عمل بچشند.

تصویرسازی آیه بعدی از صحنه هرج و مرج، اوج این فاجعه را نشان می دهد: ﴿إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلْوُونَ عَلَى أَحَدٍ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُخْرَاكُمْ...﴾ (آل عمران: ۱۵۳): هنگامی که [در حال فرار] از کوه بالا می رفتید و به هیچ کس توجه نمی کردید، در حالی که پیامبر شما را از پشت سرتان فرامی خواند....

این تصویر، یک جبهه ازهم گسیخته است که ارتباطش با مرکز فرماندهی قطع شده و هرکس تنها به فکر نجات خویش است؛ این دقیقاً همان معنای فشل و ذهاب ریح است. کلام امیرمؤمنان علی(ع)



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۱۵

تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



این اصل استراتژیک را در یک تمثیل زیبا خلاصه می‌کند: «رهبر چونان رشته محکمی است که مهره‌ها را متحد ساخته و به هم پیوند می‌دهد. اگر این رشته بگسلد، مهره‌ها پراکنده و هر کدام به سویی خواهند افتاد و سپس هرگز جمع‌آوری نخواهند شد» (شریف الرضی، ۱۳۷۹ ش: خطبه ۱۴۶). رهبری، همان نظام و ساختاری است که به اجزای پراکنده، هویت واحد و کارآمدی جمعی می‌بخشد.

۳-۶. اتحاد، زیرساخت قدرت و پادزهر فروپاشی

اگر رهبری، سیستم عصبی جامعه مقاوم است، اتحاد، بافت‌ها و عضلات این پیکر را تشکیل می‌دهد. این دو اصل، لازم و ملزوم یکدیگرند. قرآن کریم، اتحاد را نه یک توصیه اخلاقی صرف، بلکه یک فرمان تأسیسی برای شکل‌گیری امت اسلامی می‌داند: (وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا...) (آل عمران: ۱۰۳).

تحلیل این فرمان، ابعاد استراتژیک آن را آشکار می‌کند:

✓ کنش فعالانه: فعلِ اِعْتَصِمُوا (چنگ بزنید)، نشان می‌دهد که وحدت یک امر دانی و خودبه‌خودی نیست، بلکه یک امر ساختنی و نگه‌داشتنی و نیازمند تلاش، آگاهی و مجاهدت دائمی است.

✓ محور عینی: این چنگ زدن، باید به حَبْلِ اللَّهِ (ریسمان الهی) باشد. این ریسمان که مصادیق آن قرآن، پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) هستند، یک محور عینی و قابل اتکا است که از لغزیدن اتحاد به سمت سلیقه‌ها و منافع شخصی جلوگیری می‌کند.

✓ جامعیت و فراگیری: قید جمیعاً (همگی)، هیچ فرد و گروهی را از این مسئولیت مستثنی نمی‌کند.

✓ یادآوری نعمت: خداوند بلافاصله یادآوری می‌کند که شما پیش از این، دشمن یکدیگر بودید: (إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً) و این الفت و برادری (فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا) یک نعمت الهی است که در نتیجه چنگ زدن به این ریسمان حاصل شده، پس تفرقه، کفران این نعمت بزرگ است.

۳-۶. ۱. تفرقه: بیماری منجر به مرگ استراتژیک

قرآن همان‌طور که نافرمانی را تحلیل کرد، تفرقه را نیز به عنوان یک بیماری مهلک، با دقت تشریح می‌کند. آیه ۲۶ انفال که پیش‌تر ذکر شد، آسیب‌شناسی این بیماری را بیان می‌کند. تنازع، ویروسی است که مستقیماً به سیستم ایمنی و قدرت تحرک جامعه حمله کرده و آن را فلج (فُشِلَ) می‌کند. در تحلیل شکست احد نیز، قرآن این دو عامل را در کنار هم قرار می‌دهد: (وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللَّهُ وَعْدَهُ إِذْ تَحُسُّونَهُمْ بِإِذْنِهِ حَتَّى إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَازَعْتُمْ فِي الْأُمْرِ وَعَصَيْتُمْ...) (آل عمران: ۱۵۲). و [در نبرد احد] خداوند وعده خود را به شما تحقق بخشید، آنگاه که دشمن را به اذن او از پا درمی‌آوردید؛ تا آنکه سست شدید و در کار [جنگ و غنائم] به نزاع پرداختید و نافرمانی کردید.

در اینجا، نزاع و کشمکش (تَنَازَعْتُمْ) به عنوان مقدمه و زمینه‌ساز نافرمانی (عَصَيْتُمْ) و سستی (فَشِلْتُمْ) معرفی شده است. این نشان می‌دهد که اتحاد و اطاعت از رهبری دو روی یک سکه‌اند و شکست در یکی، به شکست در دیگری می‌انجامد.

۳-۶. وحدت استراتژیک، نه وحدت تاکتیکی

مقصود از این اتحاد، حذف صورت مسئله و یکسان‌سازی فکری و مذهبی نیست. بلکه به معنای هم‌افزایی استراتژیک بر پایه مشترکات قطعی (توحید، نبوت، قرآن، قبله) و مدیریت اختلافات در برابر دشمن مشترک است. وحدت قرآنی یعنی تشخیص اولویت‌ها؛ یعنی درک این واقعیت که خطر اصلی، دشمن خارجی و جبهه کفر و استکبار است و اختلافات داخلی هرگز نباید به نزاعی تبدیل شود که منجر به فشل و ذهاب ریح امت اسلامی گردد. تقویت عوامل وحدت‌آفرین (مانند پرهیز از تکفیر و توهین به مقدسات یکدیگر) و پرهیز از عوامل تفرقه‌انگیز، یک تاکتیک سیاسی موقت نیست، بلکه اجرای یک فرمان استراتژیک قرآنی برای حفظ قدرت و عزت امت اسلامی است.

۳-۷. دکترین بازدارندگی فعال

در الگوی مقاومت قرآنی، صلح و امنیت، امری تصادفی یا مبتنی بر خوش‌بینی به دشمن نیست؛ بلکه نتیجه یک قدرت بازدارنده فعال است. قرآن کریم یک دکترین دفاعی پیشگیرانه و مبتنی بر واقع‌گرایی را ارائه می‌دهد که هدف آن نه جنگ‌افروزی، بلکه جنگ‌پرهیزی از طریق ایجاد ابهت و هراس مشروع در دل دشمن است. این دکترین در آیه ۶۰ سوره انفال، که به آیه اعداد مشهور است، به صورت یک فرمان استراتژیک جامع بیان می‌شود: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَ مِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهِبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ وَ آخِرِينَ مِنْ دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ...».

کالبدشکافی این آیه، ابعاد این دکترین را آشکار می‌سازد:

- ۱) فرمان به آمادگی نامحدود (مَا اسْتَطَعْتُمْ): یک فرمان باز و پویا است. خداوند یک حد معین یا یک لیست ثابت از تجهیزات را مشخص نمی‌کند. این یعنی جامعه اسلامی موظف است به طور مستمر و بی‌وقفه، مرزهای توانایی خود را در همه زمینه‌ها جابجا کرده و به حداکثر توان ممکن در هر عصری دست یابد. توقف در یک سطح از آمادگی و قناعت به وضع موجود، خلاف صریح این دستور است. این یک مأموریت بی‌پایان برای پیشرفت می‌باشد.
- ۲) مفهوم جامع قُوَّةٍ (قدرت): کلمه قُوَّةٌ به صورت نکره (ناشناس) آمده است تا هر نوع منبع قدرتی را شامل شود. این قدرت، فراتر از توان نظامی صرف است و یک مفهوم چندبعدی دارد:



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



- قدرت سخت (Hard Power): شامل پیشرفته‌ترین سلاح‌ها و تجهیزات نظامی، توانمندی‌های تکنولوژیک، و قدرت اقتصادی برای پشتیبانی از جبهه.
- قدرت نرم (Soft Power): شامل قدرت فرهنگی، انسجام اجتماعی، قوت ایدئولوژیک، نفوذ رسانه‌ای، و توانایی در جنگ روانی.
- قدرت هوشمند (Smart Power): توانایی ترکیب هوشمندانه قدرت سخت و نرم برای دستیابی به اهداف استراتژیک.

(۳) ذکر رِبَاطِ الْخَيْلِ (اسبان ورزیده) به عنوان مصداق عینی قُوَّة در عصر نزول، این پیام را دارد که مسلمانان باید به پیشرفته‌ترین و کارآمدترین ابزار زمانه خود مجهز باشند. امروز، این ابزار شامل فناوری‌های سایبری، هوش مصنوعی، جنگ‌های شناختی، و توانمندی‌های موشکی و پهپادی می‌شود.

(۴) فلسفه آمادگی: بازدارندگی (تُرْهَبُونَ بِهِ): هدف نهایی از این آمادگی حداکثری، اِرهاب است؛ یعنی ایجاد رعب و وحشتی بازدارنده در دل دشمن. این به معنای ترساندن برای تهاجم نیست، بلکه ترساندن برای منصرف کردن از تهاجم است. قدرت باید به حدی برسد که دشمن (عَدُوَّ اللَّهِ وَ عَدُوَّكُمْ) و حتی دشمنان پنهان و ناشناخته (آخَرِينَ مِنْ دُونِهِمْ)، هزینه هرگونه اقدام خصمانه را آنقدر بالا ببینند که فکر تجاوز را نیز به ذهن خود راه ندهند. این اوج حکمت دفاعی است: پیروزی بدون جنگ.

سیره پیامبر اکرم (ص) ترجمان عملی این آیه است. ایشان نه تنها در تجهیز نظامی (مانند فرستادن نمایندگان به یمن برای تهیه سلاح جدید در آستانه جنگ حنین) کوشا بودند، بلکه در بُعد قدرت نرم نیز بی‌نظیر عمل می‌کردند. ساختن شعارهای کوبنده و هویت‌بخش در برابر شعارهای دشمن در جنگ احد (لِلَّهِ أَعْلَى وَ أَجَلٌ) در برابر (هَبْلٌ أَعْلَى)، نمونه‌ای از جنگ روانی و تقویت روحیه جبهه خودی است. توصیه به مسابقات تیراندازی و اسب‌دوانی نیز یک استراتژی بلندمدت برای نهادینه کردن فرهنگ آمادگی و رزم‌آوری در جامعه بود.

۳-۸. اصل پایداری راهبردی

اگر آمادگی دفاعی مربوط به مرحله قبل از نبرد است، پایداری و ثبات قدم، فضیلت کلیدی حین نبرد و در مواجهه با سختی‌هاست. این اصل، ستون فقرات روانی و معنوی جبهه مقاومت است که مانع از فروپاشی در برابر فشارها و تلفات می‌شود. قرآن کریم پایداری را اولین فرمان تاکتیکی پس از رویارویی با دشمن می‌داند: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا...) (انفال: ۴۵): ایمان‌آوردگان! هنگامی که با گروهی [از دشمن] روبرو می‌شوید، پس ثابت قدم باشید.

قبل از هر دستور دیگری، فرمان به ثبات صادر می‌شود، چراکه بدون آن، هیچ تاکتیک دیگری به سرانجام نمی‌رسد. این پایداری دارای دو بُعد مکمل است:

(۱) ثبات قدم: این بُعد، ناظر به جنبه ظاهری و فیزیکی است؛ یعنی حفظ آرایش جنگی، فرار نکردن از میدان، و نگه داشتن مواضع حتی در سخت ترین شرایط. این همان شجاعت و صلابتی است که پیامبر اکرم (ص) در بحرانی ترین لحظات جنگ احد، در حالی که مجروح شده و بسیاری گریخته بودند، به نمایش گذاشت و به تنهایی محور ایستادگی باقی ماند.

(۲) استقامت: این بُعد، عمیق تر و ناظر به جنبه باطنی و راهبردی است. فرمان خداوند به پیامبر (ص): «فَاسْتَقِمْ كَمَا أَمَرْتُ...» (هود: ۱۱۲)، به همین معناست. استقامت یعنی پایداری بر اصول، اهداف و آرمان ها، و عدم انحراف از مسیر حق به خاطر تهدیدها، تطمیع ها یا خستگی ها. این ثبات در راهبرد است که اجازه نمی دهد جبهه مقاومت در بلندمدت دچار فرسایش و تردید شود.

۸-۳. ۱. معادله الهی برای پایداری: نصرت مقابل

اوج نگاه قرآن به این اصل، در پیوند زدن پایداری انسان به نصرت الهی است. خداوند یک معادله و یک حلقه تقویت الهی را معرفی می کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَ يَثْبُتْ أَقْدَامَكُمْ» (محمد: ۷). ای کسانی که ایمان آورده اید! اگر خدا را یاری کنید، او [نیز] شما را یاری می کند و گام هایتان را استوار می سازد.

تحلیل این معادله:

❖ اقدام انسان (إِنْ تَنصُرُوا اللَّهَ): شرط اولیه، اقدام مؤمنانه ماست. یاری کردن خدا به معنای یاری کردن دین او، پیامبر او، و ارزش های الهی است. این حرکت آغازین از سوی انسان، کلید فعال سازی حمایت الهی است.

❖ پاسخ اول الهی (يَنصُرْكُمْ): اولین نتیجه این اقدام، نصرت و پیروزی کلی از جانب خداوند است.

❖ پاسخ دوم الهی (يُثَبِّتْ أَقْدَامَكُمْ): دومین نتیجه، که مشخصاً به بحث ما مربوط می باشد، تثبیت اقدام است. خداوند خود، به عنوان پاداش یاری کردنش، به مؤمنان قدرت پایداری و توانایی ثبات قدم را عطا می کند.

بنابراین، پایداری هم شرط پیروزی و هم جایزه آن است. انسان با تلاش اولیه برای یاری دین خدا، ظرفیت خود را برای دریافت موهبت استواری از جانب خداوند بالا می برد و این استواری الهی، او را برای ادامه مسیر و کسب پیروزی نهایی، توانا تر می سازد. این همان معنای ستایش خداوند از پیامبران پیشین و یارانشان است که در کوران نبرد سستی نکردند و نگفتند جز: پروردگار! گام هایمان را استوار بدار و ما را بر گروه کافران پیروز گردان (نک: آل عمران: ۱۴۷). دعای آنان، درخواست برای همان چیزی بود که شرط پیروزی شان بود.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



۳-۹. ظرفیت راهبردی و تاب آوری معنوی

در قلب رهبری مقاومت، یک ویژگی درونی و تعیین کننده به نام شرح صدر قرار دارد که به مثابه سیستم عامل روانی و معنوی رهبر عمل می کند. این مفهوم، فراتر از صرف صبر یا حلم است؛ شرح صدر یک ظرفیت و گنجایش الهی است که فرد را قادر می سازد تا سنگین ترین فشارهای بیرونی (از سوی دشمنان) و درونی (از سوی دوستان ناآگاه یا منافقان) را جذب، مدیریت و هضم کند بدون آنکه اراده اش متزلزل یا مسیرش منحرف گردد.

این اصل، یک موهبت الهی و در عین حال یک ضرورت راهبردی است. به همین دلیل است که حضرت موسی (ع) در آستانه رویارویی با بزرگترین طاغوت زمان خود، فرعون، اولین و بنیادی ترین درخواستش از خداوند، همین ظرفیت است: (قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي) (طه: ۲۵-۲۶): گفت: پروردگارا! سینه ام را برایم بگشا و کارم را برایم آسان گردان.

موسی (ع) می دانست که بدون سینه ای گشاده و روحی وسیع، رسالت عظیم او در همان گام های نخست با شکست مواجه خواهد شد.

۳-۹.۱. ابعاد کارکردی شرح صدر در الگوی مقاومت

ابعاد کارکردی شرح صدر در الگوی مقاومت عبارتند از:

➤ ظرفیت دریافت و تحمل: شرح صدر، پیامبر (ص) را برای تلقی وحی و تحمل ناملایمات به صورت توأمان آماده ساخت. رهبر مقاومت باید از یک سو ظرفیت درک عمیق ترین حقایق و استراتژی های الهی را داشته باشد و از سوی دیگر، توان هضم و تحمل شدیدترین تهمت ها، کارشکنی ها و خیانت ها را. این دو، لازم و ملزوم یکدیگرند.

➤ مدیریت بحران های دوگانه: خطبه ۱۹۴ نهج البلاغه به زیبایی این بُعد را ترسیم می کند. پیامبر (ص) همزمان با دو جبهه در نبرد بود: خویشاوندان که به دورویی پرداختند و بیگانگان که در کینه توزی متحد شدند. این یعنی فشار از بیرون و فرسایش از درون. شرح صدر همان قدرت روحی است که به رهبر اجازه می دهد در این میان، نه دچار یأس از دوستان شود و نه دچار هراس از دشمنان، و با اراده ای پولادین مسیر را ادامه دهد.

➤ تبدیل نقاط ضعف ظاهری به قوت راهبردی: آیه ۶۱ سوره توبه یک شاهکار در تبیین این اصل است. منافقان با تمسخر، پیامبر (ص) را فردی خوش باور و گوش (أَذُنٌ) خطاب می کردند که به حرف همه گوش می دهد. خداوند این طعنه را به یک مدال افتخار تبدیل می کند: (قُلْ أَدُنُّ خَيْرٌ لَّكُمْ...). این یعنی شرح صدر پیامبر (ص) آنقدر وسیع است که حتی به سخنان دشمنان و منافقان گوش فرا می دهد، اما با حکمت خود، آن ها را مدیریت می کند. این گوش دادن که از نظر سطحی نگران

یک ضعف است، در حقیقت ابزار مدیریت جامعه، حفظ آبروی افراد و رحمت برای مؤمنان است. این یعنی تبدیل یک تهدید تبلیغاتی به یک فرصت مدیریتی.

۳-۱۰. مرزبندی هویتی و قطب‌نمای وفاداری

مقاومت بدون هویت، بی‌معناست. اصل برائت یا بیزاری از دشمنان، یک مکانیزم قرآنی برای ترسیم و تثبیت مرزهای هویتی است. این اصل، یک بیانیه انفعالی یا صرفاً یک حس قلبی نیست، بلکه یک اقدام فعال، علنی و قاطع برای جدا کردن جبهه حق از باطل است. این مرزبندی، سنگ بنای انسجام درونی و وضوح راهبردی جبهه مقاومت است.

خداوند، ابراهیم(ع) و یارانش را به عنوان یک الگوی نیکو (أَسْوَةٌ حَسَنَةٌ) در این زمینه معرفی می‌کند: ﴿قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ...﴾ (الممتحنة: ۴).

تحلیل این بیانیه ابراهیمی، ابعاد اصل برائت را روشن می‌سازد:

۱) اعلام بیزاری جامع از افراد و ایدئولوژی: آن‌ها نمی‌گویند فقط از بت‌های شما بیزاریم، بلکه ابتدا می‌گویند: ﴿إِنَّا بُرَآءُ مِنْكُمْ﴾ ما از خود شما بیزاریم و سپس ﴿وَمِمَّا تَعْبُدُونَ﴾ و از آنچه می‌پرستید. این یعنی مرزبندی کامل هم در سطح روابط انسانی و هم در سطح عقیدتی.

۲) اعلام کفر به جبهه مقابل: عبارت ﴿كَفَرْنَا بِكُمْ﴾ ما به شما کافریم، یک اعلام موضع تهاجمی و صریح است. به معنای ما راه و رسم و حقانیت شما را به طور کامل انکار می‌کنیم. این اقدام، هرگونه امید دشمن برای نفوذ فکری یا ایجاد تردید را از بین می‌برد.

۳) اعلام دشمنی دائمی: عبارت ﴿بَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمُ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ أَبَدًا﴾ (میان ما و شما دشمنی و کینه همیشگی پدیدار شد)، یک خط قرمز غیرقابل مذاکره را ترسیم می‌کند. این دشمنی، تاکتیکی و موقت نیست، بلکه ماهوی و دائمی است و تنها یک شرط برای پایان آن وجود دارد: ﴿حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدَهُ﴾

سوره کافرون نیز اوج همین دیپلماسی برائت است. تکرار قاطعانه عدم پرستش معبودهای باطل و جمله پایانی ﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ به معنای پلورالیسم دینی نیست، بلکه به معنای بن‌بست مطلق در مذاکره بر سر اصول است. این اعلام، راه را بر هرگونه چانه‌زنی بر سر توحید و ارزش‌های بنیادین می‌بندد و به دشمن می‌فهماند که جبهه مقاومت، هویتی غیرقابل معامله دارد.

۳-۱۱. تفکیک صلح از تسلیم



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۲۱

تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری



الگوی مقاومت قرآنی، یک الگوی جنگ طلب و بی منطق نیست؛ بلکه الگویی است که برای صلح ارزش قائل است، اما نه هر صلحی. قرآن میان صلح عزت مندانه و صلح ذلت بار تمایزی دقیق و حیاتی قائل می شود. صلح ذلت بار که ناشی از سستی، ترس و ضعف ایمان باشد، به شدت نهی شده است.

فرمان کلیدی در این زمینه، در سوره محمد (ص) آمده است: ﴿فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ وَلَنْ يَتَرَكَكُمْ أَغْمَالُكُمْ﴾ (محمد: ۳۵): پس سست نشوید و (دشمن را) به صلح دعوت نکنید، در حالی که شما برتر هستید، و خدا با شماست و هرگز از (پاداش) اعمالتان نخواهد کاست.

کالبدشکافی این آیه، دکترین دیپلماسی مقاومت را مشخص می کند:

❶ نهی از دعوت به صلح از موضع ضعف: آیه نمی گوید صلح نکنید. بلکه می گوید شما مؤمنان، پیش قدم در دعوت به صلح نشوید، آن هم زمانی که این دعوت، ناشی از وهن و سستی باشد. این اقدام، یک سیگنال ضعف به دشمن ارسال می کند و تمام دستاوردهای مقاومت و خون شهدا را به حراج می گذارد.

❷ معیار کلیدی: برتری (وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ): قرآن یک معیار عینی ارائه می دهد. وقتی شما در میدان نبرد یا در موازنه قدرت، دست بالا را دارید، پیشنهاد صلح از سوی شما، معنایی جز عقب نشینی و تسلیم ندارد. این یک عافیت طلبی مذموم است که به مراتب خطرناک تر از ادامه نبرد می باشد.

❸ صلح عزت مندانه در مقابل صلح ذلت بار: این آیه هیچ تضادی با آیه ۶۱ سوره انفال ندارد: ﴿وَإِنْ جَنَحُوا لِلسَّلَامِ فَاجْنَحْ لَهَا...﴾ و اگر آنان به صلح تمایل نشان دادند، تو نیز به آن متمایل شو. این آیات دو وضعیت متفاوت را مدیریت می کنند:

- آیه سوره محمد: شما از موضع قدرت، دشمن را به صلح دعوت نکنید. (نهی از صلح از موضع ضعف).

- آیه سوره انفال: اگر دشمن از موضع نیاز یا واقع بینی، پیشنهاد صلح داد، آن را بپذیرید. (جواز صلح از موضع قدرت).

این همان حکمتی است که در فرمان امیرالمؤمنین علی (ع) به مالک اشتر تجلی می یابد: هرگاه دشمن تو را به صلحی دعوت کند که رضای خدا در آن است، آن را رد مکن. شرط رضای خدا همان فیلتری است که صلح عزت آفرین را از سازش ذلت بار جدا می کند. تشخیص این مرز ظریف، نیازمند بصیرت و هوشیاری فوق العاده رهبران جامعه اسلامی است تا در لحظات سرنوشت ساز، پیروزی را با تسلیم اشتباه نگیرند. اطمینان به همراهی خداوند (وَاللَّهُ مَعَكُمْ) همان پشتوانه روحی است که مانع از چنین خطای محاسباتی مرگباری می شود.

نتیجه

تحلیل تبارشناسانه انسان مقاوم در قرآن کریم، این حقیقت را آشکار ساخت که مقاومت از منظر وحی، یک صفت یا فضیلت اخلاقی مجرد نیست، بلکه برآیند نهایی یک فرآیند پیچیده، نظام‌مند و عمیق هویت‌سازی است. قرآن کریم نقشه راه این مهندسی هویت را با دقتی بی‌نظیر ترسیم می‌کند که از بنیادهای هستی‌شناختی آغاز و به راهبردهای عملیاتی در میدان عمل ختم می‌شود. نتایج این پژوهش نشان داد:

- (۱) هویت مقاوم یک ساختار یکپارچه و سیستمی می‌باشد که از سه لایه مفهومی تشکیل شده است: صبر به مثابه ظرفیت تحمل و انرژی روانی، استقامت به مثابه ستون فقرات و ثبات درونی بر محور حق، و مقاومت به منزله تبلور خارجی و کنش فعالانه این هویت در برابر چالش‌ها.
- (۲) این بنای هویتی بر چهار ستون اصلی استوار است که هر یک کارکردی منحصربه‌فرد دارند: ایمان راسخ، با ایجاد امنیت هستی‌شناختی و بازتعریف معنای رنج و شکست، فرد را در برابر تزلزل روانی واکسینه می‌کند. اخلاص، با جهت‌دهی قیام به سوی خداوند (أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ) آن را از آفت خودمحوری و ریا پاکسازی کرده و به آن اصالت می‌بخشد. توکل، به عنوان یک فناوری روانی پیشرفته، با تفکیک حوزه تکلیف از حوزه نتیجه، اضطراب را مدیریت کرده و تمام قوای فرد را برای عمل بهینه آزاد می‌سازد. و سرانجام دعا، به مثابه کنشی استراتژیک، کانال ارتباط با منبع بی‌نهایت قدرت را در سخت‌ترین شرایط باز نگه می‌دارد.

در یک کلام، انسان مقاوم قرآنی، محصول یک فرآیند تربیتی است که در آن، جهان‌بینی توحیدی به صورت عملیاتی به سازوکارهای روان‌شناختی و الگوهای رفتاری ترجمه می‌شود. او کنشگری است که هویتش نه در واکنش به شرایط، بلکه بر اساس اصولی پایدار ساخته شده و از این رو، در طوفان حوادث، نه تنها نمی‌شکند، بلکه ریشه‌دارتر و استوارتر می‌گردد.

پیشنهادهای پژوهشی:

الف) پیشنهادهای پژوهشی:

- (۱) تحلیل مصداقی فرآیند تکوین هویت مقاوم در زندگی اسوه‌های قرآنی (مانند حضرت ابراهیم(ع) در برابر نمرود، حضرت موسی(ع) در برابر فرعون، و پیامبر اکرم(ص) در برابر جاهلیت).
- (۲) تحقیقی تطبیقی میان مدل فرآیندی تکوین هویت مقاوم در قرآن و نظریه‌های رشد شخصیت و هویت در روان‌شناسی (مانند نظریه اریکسون).
- (۳) پژوهش در خصوص آفات آفات تکوین هویت مقاوم (مانند وهن، عجب، استعجال و قنوط) از منظر قرآن.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۲۳

تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری

ب) پیشنهادهای اجرایی:

(۱) طراحی سرفصل‌های تربیتی فرآیند-محور: پیشنهاد می‌شود نهادهای آموزشی و فرهنگی (از آموزش و پرورش تا حوزه‌های علمیه) بر اساس مدل تکوینی ارائه‌شده (ایمان ← اخلاص ← توکل ← عمل)، سرفصل‌ها و بسته‌های تربیتی طراحی کنند که به جای آموزش فهرستی از فضائل، بر طی کردن فرآیند ساخت هویت تمرکز نمایند.

(۲) تولید محتوای هنری و رسانه‌ای عمیق: با الهام از این الگو، می‌توان آثاری روایی (داستان، فیلمنامه، انیمیشن) خلق کرد که تحول درونی یک شخصیت و ساخته شدن گام به گام هویت مقاوم او را به تصویر می‌کشند و از نمایش سطحی و تک‌بعدی قهرمانان فراتر می‌روند.

(۳) تدوین شاخص‌های ارزیابی برای مدیران و نخبگان: می‌توان بر اساس ارکان این الگو، شاخص‌هایی برای ارزیابی پایداری هویتی و مدیریتی رهبران و مدیران جامعه در شرایط بحران تدوین کرد تا ثبات و اصالت کنش آن‌ها در بزنگاه‌های حساس قابل سنجش باشد.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۷

زمستان

۱۴۰۲



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۲۵

تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری

تجلی و نمود کلیدی در قرآن	نقش در فرآیند تکوین هویت	تعریف ماهوی و کارکردی	مفهوم کلیدی	سطح تحلیل
{...الَّتَخَافُوا وَلَآتَحْزَنُوا...} و {...فَزَادَهُمْ إِيمَانًا...}	شالوده و سنگ بنای هویت: ایمن سازی روانی فرد در برابر بحران ها و پوچی ها.	ایجاد امنیت هستی شناختی: بازتعریف جهان بینی و اتصال به منبع قدرت لایزال.	۱. ایمان راسخ	میانی تکوین (ارکان سازنده)
{...أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ...}	قطبنمای جهت دهنده: مصون سازی مقاومت از آفاتی چون ریا، خودمحوری و قدرت طلبی.	پالایش انگیزه و جهت دهی حرکت صرفاً برای خداوند: تضمین سلامت و اصالت قیام.	۲. اخلاص	
{...وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ}	راهبرد کنش و مهندسی آرامش: آزادسازی تمام ظرفیت روانی برای تمرکز بر عمل به جای نگرانی.	فناوری روانی پیشرفته برای مدیریت اضطراب: تفکیک هوشمندانه میان تکلیف و نتیجه.	۳. توکل	
{رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَثَبِّتْ أَقْدَامَنَا...}	تجهیز معنوی در میدان عمل: طلب ابزارهای پایداری (صبر، ثبات قدم) از فاعل حقیقی.	کنش استراتژیک و شاهراه ارتباطی برای اتصال به منبع قدرت در لحظات بحرانی.	۴. دعا	
{وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ...}	نیروی پیشران و سوخت فرآیند: افزایش آستانه تحمل و فراهم سازی انرژی لازم برای استقامت.	ظرفیت روانی و خویشن داری فعال برای تحمل شدائد و استمرار در مسیر.	۱. صبر	ایجاد هویت (لایمهای تجلی یافته)
{فَاسْتَقِمْ كَمَا أُمِرْتَ...}	ستون فقرات و شاکله اصلی هویت: حفظ انسجام درونی و جلوگیری از انحراف و کژی.	حالت پایدار و ثبات درونی بر صراط مستقیم: تعادل و پایداری در اصول و ارزش ها.	۲. استقامت	
مفهوم مستفاد از آیات جهاد، نهی از منکر و ایستادگی	نمود خارجی و تجلی عملی هویت: ترجمه پایداری درونی به ایستادگی فعال در عرصه های مختلف.	کنش فعال و رویارویی بیرونی یا موانع، تهدیدها و عوامل انحراف زا.	۳. مقاومت	

جدول تحلیلی فرآیند تکوین هویت مقاوم در منظومه قرآنی

- (۱) ابن عاشور محمد طاهر، ۱۹۹۷م، التحرير والتنوير، تونس، الدار التونسية.
- (۲) ابن فارس، احمد. (۱۴۰۴ق). معجم مقاييس اللغة. تحقيق عبدالسلام محمد هارون. قم: مكتب الاعلام الاسلامي.
- (۳) ابن فهد حلي (۱۴۰۷ق). عدة الداعي، به كوشش موحد قمي، قم، دار الكتب الاسلامي.
- (۴) ابن منظور محمد بن مكرم (۱۴۰۸ق). لسان العرب، بيروت، دار احياء التراث العربي.
- (۵) ابوهلال عسکري، حسن بن عبدالله (۱۴۱۲ق). معجم فروق اللغويه، بيروت، دارالافاق.
- (۶) انوري حسن و ديگران (۱۳۸۱ش). فرهنگ بزرگ سخن، تهران، انتشارات سخن.
- (۷) جزري ابن اثير (۱۳۶۷ش). النهاية في غريب الحديث و الاثر، قم، اسماعيليان.
- (۸) جوهرى اسماعيل بن حماد (۱۳۷۶ق). الصحاح، بيروت، دار العلم للملايين.
- (۹) دفتر مقام معظم رهبري (۱۳۷۵ش). حديث ولايت، تهران، سازمان مدارك انقلاب اسلامي.
- (۱۰) دهخدا، علي اكبر (۱۳۷۷ش). لغت نامه دهخدا، تهران، دانشگاه تهران.
- (۱۱) راغب اصفهاني، حسين بن محمد (۱۴۱۲ق). المفردات في غريب القرآن. تحقيق صفوان عدنان

داودي. دمشق-بيروت: دارالعلم-الدار الشاميه.

- (۱۲) زبيدي محمد مرتضى (۱۴۱۴ق). تاج العروس عن جواهر القاموس، بيروت، منشورات دارمكتبة الحياه.
- (۱۳) سيوطي عبد الرحمن (۱۴۱۴ق). الدر المنثور، بيروت، دارالفكر.
- (۱۴) شريف رضى، حسين بن محمد (۱۳۷۹ش). نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتي، قم، مشهور.
- (۱۵) طباطبائي سيد محمد حسين (۱۳۹۰ش). الميزان، قم، انتشارات جامعه مدرسين.
- (۱۶) طبرسي، فضل بن حسن (۱۳۶۰ش). مجمع البيان، تهران، انتشارات فراهاني.
- (۱۷) طريحي، فخرالدين. (۱۴۱۶ق). مجمع البحرين. تحقيق سيد احمد حسيني. تهران: كتابفروشي مرتضوي.

- (۱۸) عباسي مقدم مصطفى (۱۳۹۳ش). نگاهی به ابعاد مفهومي و کارکردی الگو و اسوه در تربیت و تبلیغ دینی، نشریه پژوهش نامه تربیت تبلیغی، شماره یک، ص ۴۵-۶۵.
- (۱۹) غزالی ابو حامد (۱۴۱۵ق). احیاء علوم الدین، بیروت، دار الكتب العربی.
- (۲۰) فرانکل، ویکتور (۱۳۹۸). انسان در جستجوی معنا. ترجمه نهضت صالحیان و مهین میلانی. تهران: درسا.
- (۲۱) فراهیدی خلیل بن احمد (۱۴۱۴ق). ترتیب کتاب العین، قم، نشر اسلامی.



فصلنامه اندیشه مقاومت
در کفتمان انقلاب اسلامی



شماره ۶۷

زمستان

۱۴۰۲

۲۲) فیومی احمد (۱۴۰۵ق). المصباح المنیر، قم، مؤسسه دارالهجره.

۲۳) کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ق). الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۲۴) لوپس معلوف (۱۳۷۳). المنجد فی اللغة. ترجمه محمد بندرریگی. تهران: انتشارات ایران.

۲۵) محمد خالد عمر (۲۰۱۱م). المقاومه بین قیم الدین الوطنیه، برگرفته از پایگاه

اطلاعاتی www.edleb.net

۲۶) مشیری مهشید (۱۳۷۴ش). فرهنگ زبان فارسی، تهران، سروش.

۲۷) مصطفوی حسن (۱۳۷۴ش). التحقیق، تهران، وزارت ارشاد.

۲۸) مطلق شقور، رفقه نبیل (۲۰۰۹م). اثر حزب الله فی تطویر فکر المقاومه و اسالیبها فی المنطقه

العربیه، ، نابلس، فلسطین، جامعه النجاح الوطنی.

۲۹) معین محمد (۱۳۷۱ش). فرهنگ فارسی، تهران، امیر کبیر.

۳۰) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۱ش). تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۱) مکارم شیرازی ناصر (۱۳۷۵ش). قرآن و آخرین پیامبر، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۲) موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۹ش). صحیفه نور، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر امام خمینی.

۳۳) میر قادری، سید فضل الله و حسین کیانی (۱۳۸۸ش). شغبن مایه های ادبیات مقاومت در قرآن،

فصل نامه ادبیات دینی، دوره یک شماره یک، تابستان، ص ۶۹-۹۵.



فصلنامه اندیشه مقاومت

در کفتمان انقلاب اسلامی



۲۷

تبارشناسی انسان

مقاوم در قرآن:

تحلیلی بر فرآیند

تکوین هویت

مبتنی بر پایداری